



شخصیت عرفانی علامه طباطبایی الهامبخش معارف الهی در المیزان است

عرفانی علامه طباطبایی باعث شده بسیاری از معارف الهی از طریق ایشان صادر شود و به افراد برسد که بخشی از این معارف در تفسیر المیزان گنجانده شده است.

عرفانی علامه طباطبایی باعث شده بسیاری از معارف الهی از طریق ایشان صادر شود و به افراد برسد که بخشی از این معارف در تفسیر المیزان گنجانده شده است.

عباس اسماعیلزاده، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) اظهار کرد: شخصیت علامه طباطبایی را از دو طریق شناختن زیرا توفیق درک محضر ایشان را نداشتیم؛ اول از طریق مطالعه تفسیر المیزان و دوم به وسیله فایل‌های صوتی و تصویری که از ایشان به‌جای مانده است.

وی افزود: با توجه به این دو منبع، شخصیت علامه طباطبایی را بی‌نظیر یافتیم که به گوشه‌هایی از این مطلب اشاره می‌کنم. برجسته‌ترین ویژگی علامه که در المیزان هم بسیار نمود دارد، شخصیت اخلاقی - عرفانی ایشان است که باعث شده خیلی از معارف الهی از طریق ایشان صادر شده و به افراد برسد.

اسماعیلزاده در توضیح این مطلب ادامه داد: یکی از مصادیق «#مطهرون» که در سوره مبارکه واقعه مطرح شده، آنجا که می‌فرماید: «#إِذَا يَمْسُرُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» که جز پاک‌شدگان بر آن دست ندارند» انسان مذهب‌النفس است که علامه طباطبایی بهره زیادی از طهارت نفس داشته و همین امر باعث شده که در درجات بالای مجاری فیض الهی قرار بگیرد.

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد عنوان کرد: بخش اعظم این فیوضات الهی را در المیزان و مواردی را در شاگردهای ایشان می‌بینیم؛ چه آن‌هایی که در زمان حیات علامه طباطبایی می‌زیسته‌اند؛ همانند شهید مطهری و چه بزرگوارانی که الآن در قید حیات هستند.

این محقق و پژوهشگر در توضیح شخصیت عرفانی علامه اذعان کرد: به صراحت می‌توان علامه را در این بُعد شخصیتی کاملاً بی‌نظیر دانست و این ضروری‌ترین و بارزترین امتیاز برای ایشان مخصوصاً در زمینه تفسیر آیات قرآن کریم محسوب می‌شود.

وی با استناد به آیه فوق‌الذکر که فقط کسانی می‌توانند به معارف والا و حقیقی قرآن دست پیدا کنند که از طهارت نفس برخوردار باشند، بیان کرد: هرچه میزان طهارت بالاتر باشد دریافت معارف الهی نیز بالاتر می‌رود که در مورد علامه طباطبایی یک سری از این معارف در تفسیر المیزان گنجانده شده و قسمتی دیگر در قالب تربیت شاگردانی مانند شهید مطهری و آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی ظهور و بروز داشته است.

اسماعیلزاده پیشنهاد کرد: جا دارد یک محقق قبل از مطالعه آثار علامه طباطبایی کمی به بررسی ارتباط بین اساتید و شاگردان ایشان بپردازد و دقت نظری به اساتید ایشان علی‌الخصوص استاد عرفان ایشان، سید علی‌آقای قاضی طباطبایی داشته باشد؛ مانند اینکه آقای قاضی در بدو ورود علامه به نجف به دیدن ایشان می‌رود و توصیه‌هایی به وی می‌کند و یا مورد دیگر این‌که علامه با شاگردهای خودشان مثل شهید مطهری و دیگران ارتباطاتی عرفانی داشته‌اند.

وی ادامه داد: همان‌طور که رزق مادی خدای متعال مجرا دارد، رزق معنوی خدا که علم باشد نیز مجرا دارد که یکی از آنها می‌تواند کتاب باشد، اما عمده‌ترین مجرای آن وجود انسان‌هایی مثل علامه طباطبایی است که محل نزول فیوضات و معارف الهی هستند.

این محقق و پژوهشگر توضیح داد: اگر به بررسی نوع ارتباط علامه طباطبایی با اساتید و شاگردانشان پرداخته شود، آنگاه فهمیده می‌شود که خداوند چگونه و از چه طریقی فیوضاتش را به‌وسیله علامه - که قبل از ایشان در اختیار اساتیدشان بوده - به دیگران

رسانده است؛ چرا که معارف الهی مستقیماً داخل کتاب ریخته نمی‌شود، بلکه از طریق همین انسان‌های وارسته است که خداوند متعال معارف دین را در اختیار سایر مردم قرار می‌دهد.

اسماعیل‌زاده اذعان کرد: المیزان آینه تمام‌نمای علامه طباطبایی است و درک وی از قرآن یکی به خاطر ویژگی‌های شخصیتی اوست و دیگر این‌که در جهت تبیین آیات قرآن بسیار زحمت کشیده است. این دو جهت باعث نزدیکی علامه به قرآن شده است؛ یعنی در حقیقت نمی‌از فیض عجایب قرآن در المیزان وجود دارد و من همیشه با دانشجویان مطرح می‌کنم که المیزان معجزه علامه است و در حقیقت المیزان آنچنان معجزاتی دارد که اهل فن باید مدت‌ها غور کنند تا متوجه آن معجزات شوند.

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد اظهار کرد: من به اقتضای کار پژوهشی که دارم المیزان را در کنار حدود پنجاه تفسیر بررسی کرده‌ام و در این بین تفاوت فاحشی میان این تفسیر شریف و دیگر تفاسیر دیده‌ام، البته به هیچ عنوان تلاش دیگر بزرگان را زیر سؤال نمی‌بریم بلکه زحمت هرکس را به اندازه بضاعت علمی و عملی‌اش قدر و ارج می‌نهیم، اما المیزان در ذیل آیات مطالبی را مطرح می‌کند که در کمتر تفسیری دیده می‌شود و همین مطلب المیزان را یک سر و گردن بالاتر از دیگر تفاسیر قرار می‌دهد.

وی در توضیح اینکه این برجستگی‌ها از کجا حاصل شده، بیان کرد: آیا علامه حافظه بسیار قوی داشته؟ آیا اندوخته‌های علمی علامه منجر به نوشتن این تفسیر شده، چون به هر حال از این مسائل به ابزار و شرایط مفسر یاد می‌شود که هیچ مفسری بی‌نیاز از این ابزار نیست، اما آیا وجه تمایز المیزان با دیگر تفاسیر وجود ملکه قوی علامه در این ابزار و علوم بوده که توانسته المیزان را در چنین درجه بالایی تألیف کند؟ با دقت در این مطالب، متوجه شدم چیزی که باعث متفاوت بودن المیزان است لزوماً بهره بالای علامه از علوم مورد نیاز مفسر نیست - هرچند که این چنین نیز بوده است - بلکه در حقیقت همان شخصیت علامه است که باعث امتیاز المیزان شده است.

اسماعیل‌زاده ادامه داد: برخی از این مطلب این‌گونه تعبیر می‌کنند - که بسیار تعبیر به‌جایی است و باعث آرامش و اقناع روحی خود من شده است - که علامه محرم قرآن شده بود و قرآن ناموس خداست و سفره دلش را نزد هرکسی باز نمی‌کند. قرآن کتاب معمولی مانند باقی کتب نیست که با حافظه و اندوخته‌های علمی خوب بتوان بهتر آن را تبیین و تفسیر کرد، هر چند که این مطالب همگی درست است.

وی افزود: تا با صاحب قرآن محرم نشویم و از طهارت بالا بهره‌ای نداشته باشیم «؛ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ؛ که جز پاک‌شدگان بر آن دست ندارند» اتفاق نمی‌افتد که این مورد در علامه طباطبایی بسیار بارز است. در این زمینه می‌توان به نمونه‌هایی اشاره کرد: مثل تفسیر علامه در آیه «؛ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» یا تفسیر ایشان ذیل آیه شریفه «؛ وَالشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ» و یا آیه تبلیغ که علامه در این آیات قرآن را به سخن آورده است.

این محقق و پژوهشگر قرآنی اشاره کرد: علامه طباطبایی به این فرمایش امیرالمؤمنین (ع) رسیده که حضرت فرمودند: «؛ ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْتَقُوهُ» یعنی قرآن را به سخن در بیاورید و این مسئله مسجل است که علامه در بسیاری از موارد قرآن را به سخن آورده است.

وی اضافه کرد: به طور مثال در مواردی که ذکر شد بدون اینکه علامه نظر خود یا دیگری را ذکر کند، خود قرآن به سخن می‌آید و می‌گوید که من مقصودم این است؛ بنابراین اگر کسی گام به گام با تفسیر علامه پیش رود متوجه مقصود و منظور قرآن می‌شود.

اسماعیل‌زاده خاطر نشان کرد: این بزرگ‌ترین و ضروری‌ترین امتیاز و ابزاری است که یک مفسر می‌تواند داشته‌باشد؛ یعنی بتواند قرآن را به حرف در بیاورد. در غیر این صورت مفسر دچار تفسیر به رأی می‌شود و مانند تعدادی از تفاسیر به‌جای اینکه سخن و مقصود قرآن در آن مطرح شود بیشتر نظرات خود مفسر است که به قرآن تحمیل می‌شود. از این ویژگی می‌توان به عنوان یک ویژگی کلی یاد کرد که با شخصیت علامه طباطبایی گره خورده است.